



ح. حریف



۲۸ اسد ۱۲۹۸ . سال یاد استرداد استقلال میهن !



غنی : « من فصل ناتمام برنامہ ترقیخواہانہ اعلیٰ حضرت امان اللہ خان ہستم »!...
امابعد از مزدوری بہ متجاوزین اشغالگر امریکایی و بفاک و فون کشیدن مردم ۳ و میون و در نہایت در موافقت کامل
با معاملہ مثلث شیطانی واشنگتن ، لندن و اسلام آباد، واگذاری حاکمیت بہ تروریستان طالبی و «فرار دزدانہ»
اش آن « فصل ناتمام » را « تمام » نمود!...

برگه‌ی از تاریخ زرین و پرافتخار کشور ما!

شاه امان الله این زعیم ملی آزادی دوست و ترقیخواه مهین قبل از حصول استقلال در اجتماع بزرگی از مردم در مسجد عیدگاه کابل در حالیکه لباس نظامی بر تن داشت چنین گفته بود: «ملت عزیز من، این لباس سربازی را آرتن بیرون نمی کنم تا وقتیکه لباس استقلال را برای مادروطن نپوشانم...»

واما پس از حصول استقلال کشور ما از چنگال خونین استعمارگران وحشی و متجاوز برتانیای بازم در برابر ملت افغان قرار گرفته و افتخارانه چنین فرمودند :

«من خودم و مملکت خودم را از لحاظ داخلی و خارجی کاملن آزاد و مستقل اعلام کردم. بعد از این کشور ما مانند سایر دول و قدرت های جهان آزاد است و به هیچ نیروی، به اندازه یک سرموهم اجازه داده نمی شود که در امور داخلی و خارجی افغانستان مداخله کند و اگر کسی به چنین امری اقدام نماید، گردنش را باین شمشیر خواهیم زد...»

واما امروز کشور ما بعد از یک سده از حصول استقلال و دو دهه تجاوز و اشغال امریکای جهانخوار و شرکا، که میهن ما را از داشتن استقلال ملی (استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی)، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی محروم ساخته بود، مزدوران و ویسرای ارگ و سپیدار نشین آقایان غنی احمدزی و عبدالله عبدالله و سایر مزدوران خاین و میهن فروش، بعد از تحمیل و دیسانت شدن و ارتکاب جنایات ضد بشری علیه جان، مال و شرف مردم، بر مبنای «توافقنامه صلح امریکایی - پاکستانی» در حالیکه مردم افغانستان و این مزدوران به حاشیه رانده شده بودند، تراژدی تاریخی بوقوع پیوسته، بعد از هیاهوی کذایی «مبارزه علیه تروریسم»، «حمایت از حقوق بشر» و «استقرار امریکایی»، طی وقوع یک تراژیدی تاریخی «مخلوقات طالبی» شان این بنیادگرا های سیاه دل، عقبگرا و بربر منش اسلامی، همین متحجر ترین زباله های تاریخ را برگرده های ناتوان مردم جنگ زده و عذاب کشیده ما تحمیل نمودند!...

باری غنی احمدزی باچه دیده درایی و پررویی بدون زرهی از خجالت و شرمساری اذعان نموده بودند که :

«مردم افغانستان برای دست یابی به صلح و ثبات پایدار، باید استقلال فکری، هویتی، اقتصادی و سیاسی داشته باشند...»

جناب شان یقینن که تعاریف و مفاهیم «استقلال فکری، هویتی، اقتصادی و سیاسی» را نمی دانند، اگر شاه امان الله باراده آهنین و دراتکاه به نیروی زوال ناپذیر مردم سلحشور و آزاده طی یک نبرد میهنی پوزه کثیف استعمارگران انگلیسی رابه خاک سیاه مالیده و پس از وارد کردن تلفات بی پیشینه و شکست ننگین دست آنها را از سرنوشت مردم و میهن ما کوتاه ساخت، غنی این شهادت تاریخ و ویسرای ارگ کابل موجودیت نظامیان انگلیسی قبلن سرکوب شده، بر علاوه ۴۶ کشور متجاوز و اشغالگر به سردمداری جهانخواران امریکایی را توجیه نموده میتوانست!؟

غنی پارا فراتر گذاشته و چه عوامفریبانه مدعی گردید که: «من فصل ناتمام برنامه های ترقیخوانه شاه امان الله هستم!..»

بلی او توانسته بود تنهادر دوره کاری ننگین اش قریب به یک صد هزار نظامیان کشور را به جبهات بی برگشت و کشتارگاه های بی ثمر فرستاده و طعمه تروریستان بنیادگرای رنگارنگ اسلامی سازد. از برکت «تمام کردن فصل ناتمام شاه امان الله»، ۸۰ درسد شهروندان میهن را به زیر خط فقر قرار داده ۳،۵ میلیون مردم را بنا بر بی روزگاری و شرایط بد اجتماعی و اقتصادی معتاد به مواد مخدر ساخته، بیشتر از ۵ میلیون کودک و اجدش شرایط را از حق آموزش محروم، صدها هزار از باشندگان وطن رابه مهاجرت های اجباری ثوق و طعمه ماهیان دریاها بسازد، بیشتر از نیمی از واجدان شرایط کار را از حق اشتغال محروم نمود. (این عوامفریب تاریخ در کمپاین دور اول انتخابات قلابی ریاست جمهوری اش به سلسله دروغهای شاخدار، یک میلیون جای کار را برای مردم ما وعده داده بود)، افغانستان رابه فاسدترین و بی امن ترین کشور جهان و اما اولین کشور تولید کننده تریاک مبدل ساخته!..

جناب غنی که خود دست نشانده و مزدور و اشنگتن بوده و همراه با حواریون اش در حالیکه لباس بیگانه را به تن دارند، به همین ارتباط در جای دیگر شاه امان الله را چنین به باد انتقاد و سرزنش میگیرد:

«مدرنیزاسیون نه در لباس بلکه در تفکر است، تاکید امان الله خان بر لباس اروپایی اشتباه بود.»

این روانی میهن فروش و شرف باخته میخواست در روز روشن به چشمان بینای مردم خاک سیاه پاشد. دیگر مردم افغانستان دشمنان سوگند خورده داخلی و اربابان خارجی شانرا بیش از هر وقت دیگر شناخته و خوب میدانند که حاکمیت تحمیلی وزیر سیطره اشغالگران بیگانه، هرگز بدیل دولت آزاد و مستقل شاه امان الله و کارنامه های ترقیخواهانه، درخشان و پرافتخار اش نبوده و نمیتواند باشد.

امابعد ازدو دهه مزدوری، به اربابان متجاوز و اشغالگر امریکایی ، جنایت وفسادگسترده و بخاک و خون کشانیدن مردم ومیهن ودرنهایت با پذیرش یک معامله ننگین مثلث شیطانی واشنگتن، لندن واسلام آبادبا دشمنان جان ، مال وشرف مردم یعنی بنیادگراهای متحجر طالبی این مزدوران جنگی جنگ های نیابتی ،حاکمیت پوشالی وقوای امنیتی ودفاعی ۳۵۰ هزارنفری را تسلیم وبا«فرار دزدانه» وظاهرن به آدرس نامعلوم واما در واقعیت امر به آغوش گرم امپریالیزم چه رذیلانه وننگین آن « فصل ناتمام» برنامه های شاه امان الله را«تمام» نمود!؟...

کنون باتحمیل حاکمیت عصر حجردر وجودبنیادگراهای بربرمنش اسلامی یاطالبان سیاه اندیش این عجوبه ها وزباله های گندیده تاریخ یکبار دیگر مردم ومیهن ما از سیر کاروان تمدن وترقی اجتماعی دور ساخته شده ، مردم ومیهن از تجاوز واشغال واشنگتن وشرکا به تجاوز واشغال اسلام آبادوشرکا درآورده شد!؟.. درنتیجه وباتداوموضع گذشته میهن ما از داشتن استقلال ملی(استقلال سیاسی واقتصادی)، تمامیت ارضی وحاکمیت ملی محروم گردانیده شد!؟

درودپرشورواتشین بر روان پاک همه ی ازجان باختگان وقربانیان جنگ میهنی استقلال تحت زعامت شاه امان الله فقید!

برافراشته باد پرچم استقلال،آزادی، صلح وعدالت اجتماعی درمیهن عزیزمان !
دستان ناپاک متجاوزین اشغالگران پاکستانی وشرکا ومزدوران بنیادگرا ومتحجر اسلامی طالبی ازسرنوشت مردم ومیهن جنگزده وعذاب کشیده ماکوتاه !

ح « حریف »

آلمان ۱۷ اگست ۲۰۲۱